



ساعت ۱۶:۳۰: خواندن کتاب لکتر خوبان

- ✦ رمانی که روح‌تان را به چالش می‌کشد!
- ✦ نامه به کودکی که هرگز زاده نشد
- ✦ سخنی چند در باب مطالعه
- ✦ کانون مطالعات در دانشگاه چه می‌کند؟

صدقه کتاب

در صورت توان برای چاپ کتاب‌های خوب هزینه کنید و آن را به حساب «صدقه جاریه» بگذارید.

رهبر انقلاب
۷۴/۲/۱۸

 KHAMENEI.IR
دفتر مطبوعاتی رهبر معظم انقلاب اسلامی

اگر کتابخوانی فرهنگ رایج شد و در بین مردم ما جا بیفتد، آن وقت کسانی پیدا می‌شوند که «صدقه‌ی کتاب» درست میکنند. شما ببینید چقدر احسان می‌شود! آیا به همین نسبت، کتاب هم داده می‌شود؟ خیلی کم. حالایک وقتی در گذشته، زمانی، کسانی از تجار و بازاریهای مومن پیدا می‌شدند؛ فرضاً کتابی چاپ می‌کردند و مجانی به طلاب می‌دادند. قبلاً در حد معدودی، این کارها معمول بود؛ اما الان این کارها نمیشود، این کارها کم است. این را ترویج کنید.

فهرست



نشریه بار مهربان / دانشگاه علوم پزشکی قم /
شماره پنجم / سال چهارم / دی ماه ۹۸

صاحب امتیاز:

کانون مطالعات دانشگاه علوم پزشکی قم

مدیر مسئول:

آقای سینا سرباز حسینی

سر دبیر:

خانم عاطفه فهیم

صفحه آرایی:

خانم مریم نوش آبادی

هیئت تحریریه:

احمد قدیری، ریحانه محسنی، هدا ترخان،
زینب میری، محدثه محمدجانی، راضیه
صیادی، نرجس موسویان

- ◀ سرمقاله / گام کوچک ما در ترویج کتابخوانی / ۴
- ◀ رمانی که روحتان را به چالش می کشد / ۵
- ◀ بگو چه شد که من اینقدر دوستت دارم / ۶
- ◀ نامه به کودکی که هرگز زاده نشد / ۸



- ◀ سخنی چند در باب مطالعه / ۱۰
- ◀ معرفی نویسنده خارجی جومپا لاهیری / ۱۲



- ◀ برگزیدگان مسابقه آزمون / ۱۴
- ◀ کانون مطالعات در دانشگاه چه می کند / ۱۸



یار مهربان گام کوچک مادر ترویج کتابخوانی

عاطفه فهیم

خدایا شروع سخن نام توست/ وجودم به هر لحظه ارام توست
بی شک گسترش کتاب خوانی به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر، تنها زمانی به
فرهنگی عمومی تبدیل می شود که جامعه آن را نیازی پایان ناپذیر و وسیله ای
برای رشد و پویایی شخصیت خود بداند و مطالعه، در کنار سایر کارهای روزانه،
در زندگی مردم وارد شود و این گونه نباشد که کتاب، به افراد خاصی از جامعه
اختصاص داشته باشد؛ بلکه همگان تکامل و پیشرفت را در انس با کتاب بدانند.
البته گسترش کتاب خانه و چاپ فراوان کتاب و کارهایی مثل این نیز بی تأثیر
نیست، ولی نکته مهم، همان ایجاد میل و انگیزه در افکار جامعه است؛ یعنی
برنامه ریزی ها به گونه ای باشد که احساس نیاز به کتاب در جامعه زنده شود.
ما در این نشریه سعی داریم گامی کوچک در
راستای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی برداریم
امیدوارم مطالب مورد توجه شما عزیزان قرار بگیرد.

سر مقاله



رمانی که روح‌تان را به چالش می‌کشد!

ریحانه محسنی

درباره مرد اتریشی است که دخترش را به مدت ۲۴ سال در یک اتاق حبس کرد و از او صاحب هفت فرزند شد. فلیکس نام کوچک‌ترین فرزند اوست که در زمان فاش شدن راز سیاه فریتس، تنها پنج ساله است.

جایزه‌های این رمان

از پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز، برنده نهایی اورنج انگلیس ۲۰۱۱، نامزد نهایی جایزه ادبی بوکر سال ۲۰۱۰، نویسنده برتر رمان ایرلند ۲۰۱۱ و برنده جایزه ادبیات معاصر کشورهای مشترک المنافع.

فیلم رمان جزء ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما محسوب می‌شود. این فیلم در هفتاد و سومین مراسم گلدن گلوب در دو رشته بهترین بازیگر نقش اول درام برای بری لارسون و بهترین فیلمنامه نامزد بود که جایزه اول را بدست آورد. در هشتاد و هشتمین دوره جوایز اسکار نیز در چهار رشته نامزد دریافت جایزه اسکار بود که در نهایت موفق به جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن برای بری لارسون شد.

اند. تحمل فضای تنگ اتاق و ارتباط نداشتن با انسان‌های دیگر برای مادر جک بسیار دردناک و سراسر شکنجه است اما برای جک که غیر از اتاق جایی را ندیده شرایط خیلی فرق می‌کند. اگر با کمی تفصیل بیشتر توضیح دهیم داستان دختری حدود بیست ساله است که دزدیده شده و به مدت هفت سال در یک اتاق زندانی می‌شود. و در این مدت باردار شده و در همین اتاق هم کودکش را بدنیا می‌آورد. در این مدت مادر به گونه‌ای تصورات کودک را ساخته است که فقط محدود به این اتاق باشد؛ انگار به غیر از این دو نفر و «نیک پیر» که به اتاق رفت و آمد دارد انسان دیگری در این دنیا وجود ندارد و بقیه واقعی نیستند و فقط در تلویزیون وجود دارند. حالا که کودک پنج ساله شده است مادر کم‌کم شروع می‌کند که دنیای بیرون را برایش توصیف کند و نقشه‌ای را که مدت‌ها درباره تمام زوایای آن به خوبی فکر کرده است را برای او بازگو کند. نقشه‌ی فراری که باید خیلی دقیق اجرا شود.

دون اهو این داستان را با تاثیر پذیری از ماجرای پسر پنج ساله، به نام فلیکس در پرونده فریتزل نوشت. پرونده فریتزل

کتاب اتاق یکی از برجسته‌ترین آثار اما دناهیو است که به شدت احساسات‌تان را درگیر خواهد کرد.

اتاق در سال ۲۰۱۰ نامزد جایزه بوکر شده و فیلمی نیز بر اساس آن در سال ۲۰۱۵ ساخته شده است. اما دناهیو، رمان نویس، نمایش نامه نویس، تاریخ نگار ادبی ایرلندی و مقیم کاناداست. رمان اتاق یکی از برترین آثار اوست که با ظرافت تمام نگاشته شده و سه هفته بعد از انتشار، عنوان رمان برتر نویسندگان راجرز کانادا را از آن خود کرده است. رمانی کاملاً جذاب و خواندنی برای بالا بردن ضربان قلب و یکی از بهترین کتاب‌های سال در جهان است.

خلاصه کتاب:

در رمان اتاق داستان جک، کودکی پنج ساله را می‌خوانیم که از اتاق اش خاطرات زیبا و جالبی دارد. تمام دنیای جک پنج ساله اتاق است. او در همان اتاق بدنیا آمده و بزرگ شده است و اتاق مکانی است که با مادرش زندگی می‌کند و با یکدیگر خواندن و نوشتن یاد می‌گیرند، می‌خورند، می‌خوانند و بازی می‌کنند... جک و مادرش در اتاق محبوس شده



بگو چه شد که من اینقدر دوستت دارم!؟

زینب میری

زینبی وجود نداشت... گنگ گنگ بودم....

شب تولد دو نفر از بچه ها بود. داخل هتل براشون دورهمی گرفته بودند. سخت ولی خودم را راضی کردم که مراسم را برم.

حاج آقا غلیان صدام زد که بعنوان سادات مجلس قرآن را به بچه ها بدهم. با خودم گفتم چرا از منی که پذیرفته نشدم میخواهید که این کار را بکنم....

بعد مراسم حاج آقا بهم گفت که عمو رشید ماجرا را براش تعریف کرده گفت می دونم دلت شکسته ولی... بغضم ترکید و گفتم حتما نمی خواسته که من اینجا باشم....

روز بعد که به مزار حر رفتیم گفتم آقا ببخش اگر اشتباهی کردم... اگر غلط رفتم... اگر نیتم خراب شده... اگر دلی را شکستم....

روز آخر وقتی حاج آقا صدام زد و سنگ مزار را گذاشت کف دستم... بازم همون شعر همیشگی برام تداعی شد....

بگو چه شد که من اینقدر دوستت دارم

بگو محبت ما ریشه در ازل دارد

حرم بانو حضرت معصومه را بیاره... عمو مگه حرم با حرم فرق میکنه... بغضم ترکید و گفتم نه عمو اینا گرفتنی نیست دادنیه... من را پس زدن... از من قبول نکردن... نداشت ادامه بدم، گفت خواستن که الان اینجایی...

وارد صفوف زائرین که شدم خادمین مدام چیزی را تکرار می کردند، توی حال خودم نبودم، نوبت به گشت من که رسید موبایل را از کیفم درآورد و به عربی گفت مگه نمی گم که موبایل همراهتون نباشه گفتم چی... موبایل چی... وقتی داخل شدم فهمیدم اشتباها وارد خیمه گاه شدم....

نه... من نمی خوام قبول کنم که تو خواستی من را توی خیمه ات پناه بدی... چشمم به ضریح خیمه افتاد نزدیک نشدم گفتم: باور کنم که تو من را پس زدی؟؟ باور کنم که دوست دارم و دوستم نداری.... من به همه گفتم حسین بهترین رفیقمه... گفتم مراسم با بقیه فرق میکنه... مگه بیچارگی بدتر از اینم میشه... ضریح به آغوش گرفتم و یادمه که دیگه منی وجود نداشت....

کنار ندا نشسته بودم، خسته و بی رمق... تا حدی که سرم را روی میز کناری گذاشتم....

خیلی گنگ و نامفهوم شنیدم که مجری گفت: چیزی تحت عنوان سنگ مزار حضرت سیدالشهدا قراره که به زینب نام های مجلس تعلق بگیره. سرمو بالا گرفتم، از خوشحالی چشم هام برق می زد، با خودم گفتم چه سوغاتی بهتر از این....

اسامی به دست مجری روی سن رسید:

زینب اول، زینب دوم، سوم، چهارم... دهم... همه را خوند اما اسم من... نه اشتباه نمی کنم من را نخوندن....

مراسم که تموم شد، فقط بغض بودم... پذیرفتنش برام سخت بود، مگه میشه، چه طور امکان داشت.... یعنی حسین (ع) رفیقم نخواسته که به من....

نزدیک مغرب بود... وضو گرفتم و رفتم به سمت تل زینبیه.. عمو رشید را توی راه دیدم نگاه کرد به چشم هام و گفت: عمو در توانش نیست که برات سنگ مزار آقا را بیاره ولی بهت قول میده کاشی

نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

نویسنده: اوریانا فالچی
مترجم: فاطمه ابراهیمی

LETTERA A
UN BAMBINO
MAI NATO

oriana fallaci
1975

نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

احمد قدیری

در رحم خود دارد، نوشته شده است تا فرزندش را از مصیبت‌های دنیا و بی‌رحمی آن آگاه کند. در این کتاب مادری مشکلات جامعه متمدن و مدرن را در قالب گفت‌وگو با جنین خود بیان می‌کند و در عین حال در حال کشمکش بین مراقبت‌های دوران بارداری و استقلال شخصی خود نیز هست.

نثر روان، جلوه‌هایی از واقع‌گرایی و حس صداقت در متن این کتاب، نشان‌دهنده درک یک تجربه واقعی است! نویسنده در طول این کتاب و در بطن زندگی روزانه با تمام اتفاقات تلخ و شیرین خود، با واژگانی ساده به توصیف دقیق دنیایی می‌پردازد که در آن زندگی می‌کنیم. در واقع این کتاب، واقعیت زندگی تمام ما آدم‌های مدرن است که با تمام چالش‌های موجود، در حال گذران آن هستند.

با آنکه فالچی در ابتدای این کتاب نگاهی سیاه به دنیا و آنچه در آن می‌گذرد دارد، اما در پایان نگاهی امیدوارانه به زندگی دارد و بیان می‌کند که زندگی با همه سختی‌ها و آسانی‌ها، رنج‌ها و خوشی‌ها جریان دارد و باید جریان یابد.

درباره کتاب نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

هیچ‌یک از ما دوران جنینی خود را به یاد نداریم! حیات‌مان بدون آنکه کمترین شناختی از محیط پیرامون خود داشته باشیم، در دنیای کوچک و رازآلودی شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و در نهایت با تولد، آغاز می‌شود. در این میان ارتباط روحی و جسمی جنین با مادر خود، یکی از شگفت‌انگیزترین مراحل خلقت است! حالا تصور کنید که مادری با استفاده از این ارتباط، قبل از به دنیا آمدن کودک خود، شروع به معرفی و توصیف دنیایی کند که جنین قرار است در آن متولد شود و شروع به زندگی کند! این کتاب نیز با زاویه‌دید اول شخص و در قالب نامه‌ای از راوی داستان، به جنینی که

دوران جنینی ناشناخته‌ترین مرحله زندگی هر یک از انسان‌ها، دورانی مبهم و تکرارنشده‌ای است که شاید بتوان گفت سرآغاز هستی است. در این میان، بارداری عجیب‌ترین چالش برای هر زنی است که خواسته یا ناخواسته در یک مقطع زمانی از زندگی خود، با سیل عظیمی از احساسات و حالات روحی و روانی جدید روبه‌رو خواهد شد. گفت‌وگوی میان مادر و جنینی که در شکم دارد، درون‌مایه کتابی است که در زیر به معرفی آن می‌پردازیم.

عنوان کتاب: نامه به کودکی که
هرگز زاده نشد

نویسنده: اوریانا فالچی

تعداد صفحات: ۱۲۵ صفحه

نثر روان، جلوه‌هایی از واقع‌گرایی و حس صداقت در متن این کتاب، نشان‌دهنده درک یک تجربه واقعی است! نویسنده در طول این کتاب و در بطن زندگی روزانه با تمام اتفاقات تلخ و شیرین خود، با واژگانی ساده به توصیف دقیق دنیایی می‌پردازد که در آن زندگی می‌کنیم

آیا این کتاب برای شماست؟

نویسنده این کتاب، یعنی اوریانا فالاچی، این کتاب را به آن‌هایی تقدیم کرده است که از تردید نمی‌هراسند؛ آنان که بدون خستگی و ترس از رنج و مرگ به چراها می‌اندیشند. آنان که خود را بر سر این دوراهی قرار می‌دهند که زندگی‌بخش باشند یا از این بخشش خودداری کنند.

اگر حالات درونی شما جز هر یک از این توصیف‌هاست، این کتاب را بخوانید. هرچند که این کتاب پیشکشی است از یک زن، به تمامی زنان، اما خواندن آن صرف‌نظر از نوع جنسیت، چندان خالی از لطف نیست.

بخش‌هایی از کتاب

ما زوج عجیبی هستیم، تو و من. همه‌چیز تو به من بستگی دارد و همه‌چیز من وابسته به توست: اگر تو بیمار شوی، من هم می‌شوم. اگر من بمیرم، تو هم می‌میری. اما نه من می‌توانم با تو ارتباط برقرار کنم نه تو با من. با وجود حکمت بی‌پایانت، تو حتی نمی‌دانی من چه شکلی هستم، چند ساله‌ام، به چه زبانی حرف می‌زنم. نمی‌دانی اهل کجا هستم. کجا زندگی می‌کنم و چه می‌کنم. حتی نمی‌دانی سیاه‌پوستم یا سفیدپوست، جوانم

یا پیر، بلندم یا کوتاه. من هنوز نمی‌دانم آیا تو یک شخص هستی یا نه. ما دو غریبه‌ایم که به یک سرنوشت مشترک گره خورده‌ایم، دو موجود که در یک بدن به وحدت رسیده‌اند. دو موجود که یکدیگر را نمی‌شناسند و از هم دورند.

هیچ چیز از نیستی بدتر نیست. برای تکرار می‌کنم من از درد نمی‌ترسم. درد با ما به دنیا می‌آید و رشد می‌کند و همچنان که به داشتن دو بازو و دو پا عادت داریم به درد خو می‌کنیم. در واقع، از مرگ هم بیمی ندارم، زیرا اگر آدمیزاد می‌میرد مفهومش این است که به دنیا آمده، از نیستی رها شده. من از نیستی بیمناکم، از نبودن، از اقرار به وجود نداشتن، حتی اگر آدم تصادفاً و در اثر اشتباه یا تفریح دیگری به دنیا بیاید





سخنی چند در باب مطالعه

راضیه صیادی

مطالعه

جریانی است که در طی آن شخصی مطلبی را از نوشته یا موضوعی دریافت می کند.

مقاصد مطالعه

- مطالعه برای افزایش بار علمی و سواد
- مطالعه برای پر کردن اوقات فراغت و صرفاً محض سرگرمی
- مطالعه برای پیدا کردن پاسخ یک پرسش

آداب کلی مطالعه

یکی از ارکان مهم مطالعه پویا و فعال، رعایت آداب مطالعه است که با رعایت این آداب می توان از مطالعه ی خود نتیجه ی بهتری گرفت.

حالات شخص مطالعه کننده

- در هنگام مطالعه از دراز کشیدن و

راه رفتن خودداری کنید ، حالت نشسته روی صندی یا زمین درست است.

- در مطالعه، خواندن باید با چشم انجام شود؛ از زمزمه و بلند خواندن پرهیزید.
- جستجو گرانه و فعال مطالعه کنید مانند یک کارآگاه .

- هدفمند و با انگیزه مطالعه کنید مانند یک کاوشگر.
- در هنگام مطالعه کنجکاو، پرسشور و با نشاط باشید بسان یک کودک .
- مشتاقانه و متفکرانه مطالعه کنید مثل یک دانشمند .
- احساس کنید نویسنده ی کتاب در کنار شما حضور دارد .

مکان و زمان مطالعه

- محل مطالعه شما باید مرتب و منظم باشد. (این کار باعث نظم ذهنی و تقویت حافظه می شود.)
- از نور مناسب استفاده کنید.

- در جایی مطالعه کنید که هوای آزاد جریان داشته باشد و دمای مناسبی داشته باشد.

- حد الامکان جلوی میز مطالعه بسته باشد تا مانع حواس پرتی شود.

- به محض قرار گرفتن در مکان مطالعه، بدون از دست دادن زمان شروع به مطالعه کنید.

- حد الامکان در زمان و مکان های ثابت درس بخوانید .

- برای تثبیت مطالب خوانده شده، حدود بیست دقیقه قبل از خواب شبانه آن ها را مرور کنید.

- مطالعه در زمان های کوتاه و پی در پی موثر تر از زمان های طولانی و ممتد است. (به جای اینکه سه ساعت بخوانید سه تا یک ساعت بخوانید.)

- زمان را محدود کنید، دقیقاً مشخص کنید چه مقدار از متن را در چه مدت زمانی می خواهید بخوانید.



• ریاضی و فیزیک) بهتر است موقع صبح خوانده شود و موضوعاتی که نیاز به حفظ کردن دارند باید موقع شب و قبل از خواب و استراحت خوانده شوند.

چند توصیه موثر برای مطالعه

- وضو گرفتن
- خواندن دعای مطالعه
- به هیچ عنوان با معده خیلی پر یا خالی مطالعه نکنید.
- فاصله ی چشم ها تا کتاب حداقل چهار سانتی متر باشد.
- پشتمان نباید خم شود برای این کار بهتر است بر روی میز و صندلی مطالعه کنیم.(اینو بگم که تو مطالعه های طولانی مثل درس خوندن برای امتحان اگر پشتمون زیاد خم باشه به دیافراگم فشار میاد و بعد یه مدتی که اکسیژن کافی به مغز نرسه احساس خستگی و عدم تمرکز بهمون دست میده)
- از انجام کارهای دیگر در موقع مطالعه خودداری کنیم.

منابع و مآخذ

کتاب اصول و تکنیک های مطالعه مفید و مؤثر | گردآورنده و تنظیم کننده رضا فریدون نژاد

- در هنگام خستگی مفرط و گرسنگی زیاد مطالعه نکنید.
- گذشته و آینده را رها کنید و زمان حال را در یابید و روی آن تمرکز کنید.
- حتما در طول شبانه روز زمان هایی را برای هدفگذاری، برنامه ریزی و ارزیابی عملکردتان در مطالعه در نظر بگیرید.
- از هر فرصتی هر چند کوتاه برای مطالعه استفاده کنید...؛)

نکته هایی برای تمرکز حواس در مطالعه

وضعیت جسمی

هنگام مطالعه بدنمان باید کاملا راحت باشد.

مکان مطالعه

مکان مطالعه باید به دور از سرو صدا بوده، همچنین زیاد سرد، گرم و یا کم نور نباشد و بهتر است محلی که در آن مطالعه می شود با رنگ سبز نقاشی شده باشد و ترجیحا در اتاق مطالعه گلهای طبیعی با رنگ های سبز و زرد موجود باشد و محل مطالعه نزدیک به آشپزخانه و پر نور هم نباشد.

زمان مطالعه

موضوعاتی که نیازی به حفظ کردن ندارند بلکه به تفکر و تعمق نیاز دارند(مانند دروس



معرفی نویسنده خارجی:

«جومپا لاهیری»

هدی ترخان

«خارجی بودن یک جور حاملگی مادام العمر است، با یک انتظار ابدی، تحمل باری همیشگی و ناخوشی مدام.» این جمله را لاهیری در کتاب «همنام» آورده است. دغدغه‌ی دردناکی که در اغلب کتاب‌های او به چشم می‌خورد. در ادامه به معرفی بیشتری از این نویسنده هندی تبار خواهیم پرداخت...

«خارجی بودن یک جور حاملگی مادام العمر است، با یک انتظار ابدی، تحمل باری همیشگی و ناخوشی مدام.» این جمله را لاهیری در کتاب «همنام» آورده است. دغدغه‌ی دردناکی که در اغلب کتاب‌های او به چشم می‌خورد. جومپا لاهیری با نام نیلانجانا سودشنا (زاده‌ی ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۷ در لندن) نویسنده آمریکایی هندی تبار است. پدر و مادر او از مهاجران هندی (بنگالی) بودند که از کلکته به لندن مهاجرت کرده بودند. پدر جومپا کتابدار دانشگاه بود. او در لندن به دنیا آمد، خانواده اش وقتی که وی ۳ ساله بود به آمریکا مهاجرت کردند و به این ترتیب جومپا در رود آیلند آمریکا بزرگ شد. مادر جومپا علاقه مند بود که فرزندانش با فرهنگ بنگالی به خوبی آشنا باشند، از همین رو آن‌ها اغلب برای دیدن اقوامشان به کلکته می‌رفتند. لاهیری به کالج برنارد رفت و مدرک لیسانس در رشته‌ی ادبیات انگلیسی را در سال ۱۹۸۹ دریافت کرد. پس از آن به دانشگاه بوستون رفت و سه مدرک فوق لیسانس در رشته‌های زبان انگلیسی، نگارش خلاقانه و ادبیات تطبیقی و نیز مدرک دکترا در رشته‌ی مطالعات رنسانس را از این دانشگاه دریافت کرد. نخستین اثر او، مجموعه‌ی داستان «مترجم دردها»، برایش جایزه‌ی ادبی پولیتزر را در سال ۲۰۰۰ به ارمغان آورد و رمان دیگرش، «گودی»، جزو نامزدهای نهایی بوکر شد. همچنین بر اساس نخستین رمان او با نام «همنام» فیلمی ساخته شده است. جومپا لاهیری بس. بار ساده نویس است، بدین معنی که داستان‌هایش از مسایل زندگی روزمره‌ی ما انسان‌ها روایت می‌کند و این روایت بسیار به دل نزدیک است. تقریباً در تمام داستان‌ها مهاجرت تم اصلی است. خانواده‌های کوچکی که از کلکته و دیگر شهرهای هند به آمریکا مهاجر شده‌اند و با تفاوت‌های فرهنگی ع دیده‌ای روبرو هستند. در اغلب این داستان‌ها تضاد و تفاوت بین نسل‌ها دیده می‌شود. دو نسلی که در دو بستر فرهنگی متفاوت زندگی کرده‌اند و می‌کنند. تفاوت بین فرزندان و پدر و مادرها. در مقدمه‌ی کتاب مترجم دردها آمده است: «جومپا لاهیری از آن نویسنده‌های است





که تو را وادار می‌کنند یقه‌ی اولین کسی را که می‌بینی، بگیر و بگویی: این را بخوان! لاهیری قصه‌گوی حیرت‌آوری است با صدای متفاوت، چشمی برای دیدن و گوش‌ی برای شنیدن لطایف شیرین».

دو ویژگی اساسی در آثاری که تاکنون از جومپا لاهیری منتشر شده‌اند یکی متن ساده و واضح با جملات کوتاه و بی‌تکلف و دیگری شخصیت‌های داستانی آثار او هستند. شخصیت‌های داستان‌های لاهیری اغلب مهاجران هندی‌اند که در آمریکا زندگی می‌کنند و میان دو دنیای سنتی در زادگاه پدری با ویژگی‌های فرهنگی و بومی خاص خود و دنیای نو با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جدید در کشاکش هستند. آثار لاهیری به نوعی زندگینامه‌ی خودنوشت به‌شمار می‌روند. آنها پایه‌ی تجربیاتی که نویسنده در ارتباطات خود با خانواده، دوستان و اجتماعات هندی در آمریکا داشته‌است، تکوین یافته‌اند. لاهیری در تلاش برای ترسیم

اضطراب و درگیری‌های درونی و خانوادگی کاراکترهای داستانی و ثبت جزئیات و ظرافت‌های روانی و رفتاری مهاجران هندی در آمریکاست.

جومپا لاهیری به سبب زن بودنش بصورت خود آگاه و ناخودآگاه به زنان در داستان‌هایش می‌پردازد، هرچند مسأله‌ی مهاجرت تم اصلی تمام داستان‌های اوست اما این مهاجرت بیشتر حول محور زنان می‌چرخد و بیشترین تاثیر را این زنان‌اند که از پدیده‌ی مهاجرت می‌بینند. این زنان‌اند که وقتی با شوهران‌شان از کلکته مهاجر می‌شوند به آمریکا، مجبورند در آپارتمان‌های تنگ تمام روز را پشت پنجره بگذرانند. این زنان‌اند که با ترک وطن مجبورند به مهمانی‌های بسیار کوچک خانوادگی دل‌شان را خوش کرده و غذاهای بنگالی و [] بپزند.

قلم لاهیری بسیار سهل اما ممتنع هست. او از خودش می‌نویسد. از تجربه‌هایش که آن‌ها را لمس و درک کرده‌است. به همین جهت خواندن

نوشته‌های او احساس همزادپنداری و همدلی خواننده را بیدار خواهد کرد. از آثار او می‌توان به مترجم دردها، خاک غریب، به عبارت دیگر، گودی، همنام، اولین و آخرین بار و آخر سال اشاره کرد.

در پشت کتاب «به عبارت دیگر» او می‌خوانیم:

«وقتی عاشقی دلت می‌خواهد تا ابد زندگی کنی

دلت می‌خواهد احساس و شوری را که در زندگی داری همیشه بماند و برقرار باشد

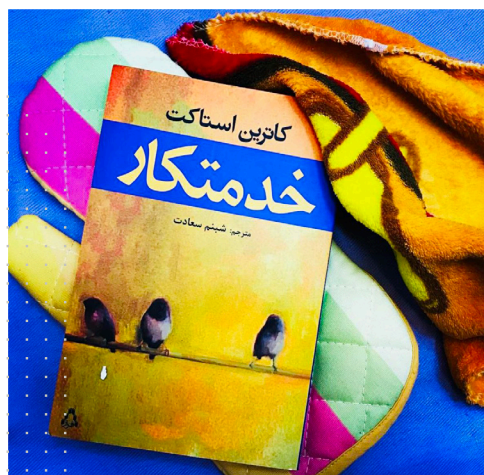
خواندن به ایتالیایی آرزوی مشابهی را در من بر می‌انگیزد.

نمی‌خواهم بمیرم چون مرگ من به معنی پایان اکتشافاتم در این زبان است.

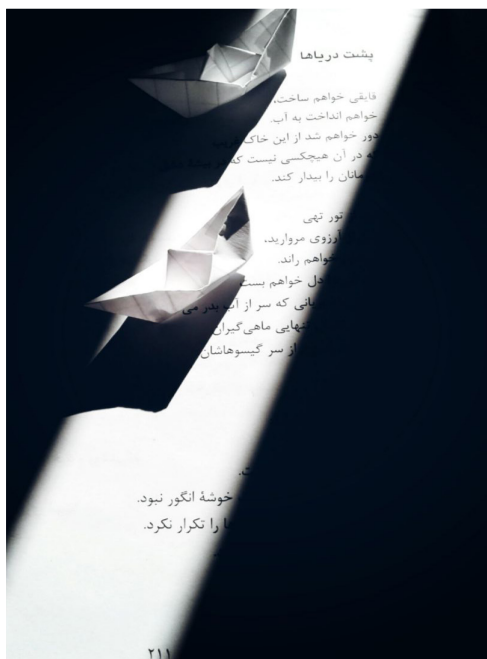
چون هر روز کلمه‌ای تازه برای آموختن هست.

پس عشق واقعی ممکن است نشانه‌ی جاودانگی باشد.»

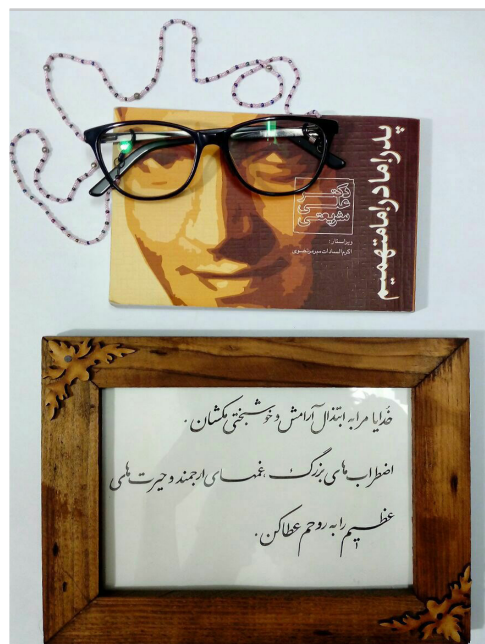
برگزیدگان سوهمین دوره مسابقات عکاسی آژمان



فاطمه آقازارتی هوشبری ۹۶



سحر امیر عیوضی بهداشت محیط ۹۸



زهرا آصفی بهداشت عمومی ۹۵

کانون مطالعات در دانشگاه چه می‌کند؟

محدثه محمدجانی

کانون مطالعات تحت نظارت معاونت فرهنگی و دانشجویی از پاییز سال ۹۶ به طور رسمی فعالیت خودش رو شروع کرده و توسط گروهی از دانشجویان علاقه مند هدایت میشه. رسالتش هم ترویج فرهنگ کتابخوانی و به کوچولو مهربون تر شدن با کتابهست. در ادامه به بخشی از اقدامات کانون اشاره کردیم...

طرح همنشین کتاب:

برگزاری جلسات دوره ای کتابخوانی در دانشکده ها به صورت گروهی. این طرح در قالب ایرسا(در مجتمع پردیس) و باغ کتاب (در دانشکده بهداشت) برگزار میشه.

ایرسا:

هر هفته کتابخونا دور هم جمع میشن یک کتاب رو انتخاب میکنن که تو این یه هفته بخونن هفته بعدی هر فرد برداشت خودش رو از کتابش بیان میکنه و یک کتاب دیگه برای جلسه بعدی انتخاب میکنه. این روند تا جایی ادامه پیدا میکنه که همه کتابهای دوره بدست همه افراد شرکت کننده ورق خورده باشن.

باغ کتاب:

یک کتاب توسط دانشجوها برای نقد و بررسی انتخاب میشه و همه یک ماه فرصت دارن که اون رو بخونن و در روز و ساعت معینی که از قبل تعیین شده جمع بشن و تبادل نظر کنن. البته ممکنه بخوایم تنوع بدیم و به جای کتاب، فیلمش رو ببینیم و نقد کنیم.





طرح فیروزه

تجهیز کتابخانه های دانشکده ها و خوابگاه ها با کتب غیرتخصصی
احتمالا باور کردنش سخته ولی امسال با بودجه ای که معاونت اختصاص داد، حدود ده میلیون تومان کتاب غیرتخصصی خریداری شد که برای یکی دو قدم اول خیلی خوب بود.

طرح فردوس

فراهم سازی محیطی مناسب و در دسترس، جهت مطالعه
مثل تبادل کتاب در دانشکده پرستاری- مامایی و ایستگاه کتاب در دانشکده بهداشت

برگزاری نمایشگاه های کتاب

برگزاری نمایشگاه هرساله همزمان با هفته کتاب و کتابخوانی و یا به صورت مناسبتی.
بعد از هر نمایشگاه هم یه علامت تعجب (!) بزرگ میاد جلوی چشممون وقتی این حد از استقبال بچه ها رو میبینیم.

طرح آسان خرید کتاب

عقد قرارداد با کتابفروشی ها جهت ارائه ی تخفیف و اخذ بن های کتاب ویژه ی مطالعاتی ها. بعنوان مثال مجموعه دنیای کتاب و مجتمع ناشران

طرح آزمان

تلفیقی از ذوق کتابخوانی و هنر عکاسی به منظور ثبت لحظات ناب با کتاب.

این یه مسابقه است که هرکس عکس هنری یا خلاقانه ای که با کتابش انداخته رو با بقیه به اشتراک میذاره و هر دوره به ۳ عکس برگزیده جایزه تعلق میگیره و این عکس ها به همراه نام عکاس در نشریه یارمهربان چاپ و در پیج اینستای کانون آپلود

در طرح ایرسا هر هفته کتابخونا دور هم جمع میشن یک کتاب رو انتخاب میکنن که تو این یه هفته بخونن هفته بعدی هر فرد برداشت خودش رو از کتابش بیان میکنه و یک کتاب دیگه برای جلسه بعدی انتخاب میکنه

میشن.

طرح پژواک

تهیه کتب صوتی با همخوانی دانشجوهای علاقه مند مثل نمایشنامه خوانی و ضبط داستانهای کوتاه و ...

یکی از بهترین روش ها وقتی به دست گرفتن کتاب ممکن نیست، کتاب صوتیه!
خلاصه اگر در برابر خوندن کتاب مقاومت کنید کتابی بهتون میدیم که گوش کنید.

فعالیت‌های جذاب دیگر

به سری فعالیت‌ها هم هستن که به صورت مناسبتی انجام میشن:

- نشست صمیمی با رضا امیرخانی
- توزیع کتاب در اردوها
- مسابقه سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری
- جشن غدیر برای کودکان کار
- لازم به ذکره ما از همکاری با کانونهای دیگه استقبال میکنیم همونطور که تا به اینجا همکاری کردیم:
- برنامه مشترک نقد کتاب با کانون مطالعات علوم پزشکی همدان
- تامین کتاب برنامه های کانونهای دیگه جمله آخر،
- حتما نباید کتابخون باشید و تو برنامه ها شرکت کنید میتونید شرکت کنید و کتابخون بشید..





گرمای مطالعه

این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب
معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی
گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.

عذر مهمان
رهبر انقلاب
۱۳۷۶/۷/۲۰



کتابخانه بروگردد

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که
یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان،
باید احساس وظیفه کنند...



۱۳۷۲/۱۰/۰۴

